

# فرهنگ‌پذیری ایرانیان و عیلامیان آغاز امپراتوری هخامنشی

---

مجموعه تاریخ | ۲۴ | تاریخ ایران | ۴ |

---



نشر سینا

این کتاب ترجمه‌ای است از سه مقاله از ووتر هنکلمن:  
Teispès et les Perses, l'École Pratique des Hautes Études 2014;  
Persians, Medes and Elamites: Acculturation in the Neo-Elamite  
Period, S.a.r.g.o.n. editrice e libreria 2003;  
Cyrus the Persian and Darius the Elamite: a Case of Mistaken  
Identity, Harrassowitz Verlag 2011.

---

سرشناسه: هنکلمن، ووتر، Henkelman, Wouter

عنوان: فرهنگ‌پذیری ایرانیان و عیلامیان: آغاز امپراتوری هخامنشی

نویسنده: ووتر هنکلمن؛ مترجم: یزدان صفایی

مشخصات نشر: تهران، حکمت سینا، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۲۷۲ صفحه

شابک: 978-600-8058-62-5

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: عیلامیان، Elamites

موضوع: عیلامیان -- تمدن، Elamites -- Civilization

موضوع: ایران -- تاریخ -- عیلامیان، ۲۲۲۵-۵۳۹ ق.م.

موضوع: Iran -- History -- Elamites, 2225-539B.C.

موضوع: ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۹-۳۳۰ ق.م.

موضوع: Iran -- History -- Achaemenids, 559-330B.C.

شناسه افزوده: صفایی، یزدان، ۱۳۶۸-، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۸ ۴۹۴/DSR۱۸۴

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۱۲۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۶۴۶۵۳۲

---

ووتر هنکلمن

---

فرهنگ‌پذیری ایرانیان و عیلامیان  
آغاز امپراتوری هخامنشی

---

ترجمه یزدان صفایی



نشر سینا

تهران، ۱۳۹۸



نشر حکمت سینا

تهران، خیابان انقلاب، ابتدای ابوریحان، شماره ۹۴، کدپستی: ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۴

تلفن: ۶۶۴۰۶۵۰۵ / ۶۶۴۱۵۸۷۹ / ۶۶۴۶۱۲۹۲ نمایر: ۶۶۴۰۶۵۰۵

سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱۶۶۹۵۰۹۸۷

www.hekmat-ins.com |  hekmatpub  
info@hekmat-ins.com |  |  hekmatpub

فرهنگ‌پذیری ایرانیان و عیلامیان:

آغاز امپراتوری هخامنشی

نویسنده: ووتر هنکلن

مترجم: یزدان صفایی

ویراستار: سجاد امیری باوندپور

چاپ اول: ۱۳۹۸ ش. ۱۴۴۱ق.

شمارگان: ۷۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۵۸-۶۲-۵

حروفچینی و صفحه‌آرایی: واحد تولید حکمت

چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر کیمیای حضور

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکی، الکترونیکی،

صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

## فهرست

۹	یادداشت نویسنده بر ترجمه فارسی
۱۵	مقدمه مترجم
۱۹	چیشپیش و پارسیان
۲۵	پارسیان، مادها و عیلامی‌ها: فرهنگ‌پذیری در دوره عیلام نو
۲۶	۱.۱. دوره عیلام نو
۴۰	۲.۱. حوزه عیلام-ایران‌شناسی
۶۲	۱.۲. مادها و عیلامی‌ها
۷۰	۲.۲. مادها در شوش؟
۷۲	۱.۲.۲. مکتب
۷۵	۲.۲.۲. مدگه
۸۲	۳.۲.۲. مد
۸۳	۴.۲.۲. ساراپیس
۹۳	۵.۲.۲. غیبت «مادها» در شوش
۹۶	۶.۲.۲. ایرانیان در شوش
۱۰۲	۳.۲. کلماکره
۱۳۲	۳. خلاصه: پارسیان، مادها و عیلامی‌ها
۱۳۴	پیوست: <i>sáranis</i> در منابع یونانی
۱۴۷	کتاب‌شناسی

۱۶۳	کوروش پارسی و داریوش عیلامی: اشتباهی در تشخیص هویت
۱۶۳	۱. مقدمه: از کوروش تا داریوش
۱۷۴	۲. پیدایش پارسیان
۱۷۴	۱.۲. عیلامیان و ایرانیان
۱۷۹	۲.۲. عیلامیان و پارسیان
۱۸۲	۲.۳. وضعیت و پیدایش زبان عیلامی هخامنشی
۲۰۳	۳. انشان و پارسه
۲۳۵	پیوست: نظر هینتس و گرشویچ درباره وضعیت زبان عیلامی هخامنشی
۲۵۵	فهرست اختصارات
۲۵۷	کتابشناسی

### یادداشت نویسنده بر ترجمه فارسی

در پژوهشی درباره روابط عیلامی-ایرانی که تقریباً بیست سال پیش نوشته شده و در سال ۲۰۰۳ منتشر گردیده، متذکر شده‌ام که مطالعه این روابط «سرانجام نقش امپراتوری هخامنشی را به عنوان وارث عیلام روشن خواهد نمود» (بنگرید به همین کتاب، صفحه ۲۵). در آن زمان بر این گمان بودم که سهم و نقش عیلام در فرهنگ و جامعه پارسی در دوره هخامنشی، که نخستین بار از سوی پی‌یر آمیه و پی‌یر دُمیروشجی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی مطرح شده بود، فی‌نفسه واضح است و این نکته دیر یا زود جایگاه راستین خود را در این رشته علمی خواهد یافت. باید اعتراف کنم که هم‌زمان هم درست می‌پنداشتم و هم در اشتباه بودم. امروزه بسیاری از محققان در حوزه مطالعات هخامنشی به درستی تأیید می‌کنند که کورش ناگهان از آسمان نازل نشده بود، بلکه حکومت و پیروزی‌های او از تحولاتی پیچیده و درازمدت حاصل آمده بود. در عین حال، مقاومتی مستمر در مقابل این دیدگاه حیرت‌مرا برانگیخته است: آنچنان که در خلال این سال‌ها دریافته‌ام، برخی از همکاران و افراد بیرون از حوزه مطالعات هخامنشی ظاهراً نیاز مبرمی به «نجات» کورش

و دفاع از موقعیت منحصر به فرد او در تاریخ ایران احساس کرده‌اند. در حقیقت، این اتهام که من کورش را «عیلامی» نمایانده‌ام، مرا برانگیخت که به منظور تأکید بر موضوعی که آن را «اشتباهی در تشخیص هویت» خوانده‌ام، مقاله‌ای دیگر به رشته تحریر درآورم (بنگرید به همین کتاب، صفحات ۱۶۳-۲۷۲).

کورش از دیدگاه معاصر ایرانی که به گذشته خویشتن معطوف است به‌راستی شخصیت نمادین به‌شمار می‌رود. به‌رغم چنین محبوبیت بالایی، هنوز شخصیت او و بسیاری از جنبه‌های حکومتش به طرز شگفت‌انگیز رازآلود مانده است. در خلال دوره‌ای طولانی، بالغ بر بیست سال اخیر، کوشیده‌ام تا حکومت کورش را در بستر متناسب خود، یعنی در گذشته‌ای بسیار ژرف‌تر قرار دهم و از این طریق اعمال و اهمیت او را بهتر معرفی نمایم و به واقع هرگز بر این باور نبوده‌ام یا ادعا نکرده‌ام که کورش عیلامی بوده، بلکه به واقع همواره معتقد بوده‌ام که کورش در زمانه‌ای می‌زیست که پادشاهی و سنت‌های حکومتی عیلام، دستگاه نگارش خط میخی و دیوان اداری عیلامی، شبکه‌های تجاری عیلامی و اتحادیه‌های فرمانطقه‌ای همچنان پررنگ و با اهمیت بودند. نام و لقب کوروش که هر دو احتمالاً در اصل عیلامی هستند، مهر تأییدی بر این دیدگاه من هستند: نام «کوروش» و «ششپش» در زبان عیلامی ریشه‌شناسی‌های قانع‌کننده‌ای دارند (بنگرید به همین کتاب، صفحات ۱۹-۲۴). با این حال، این نکته لزوماً بدین معنا نیست که کورش نام خود و یا نام نیای خود را چیزی غیر از اطلاق «آبا و اجدادی» می‌دیده است. این پرسش که «چه چیزی در یک نام نهفته است؟» در این مورد به گونه‌ای شگفت‌انگیز پاسخی واضح دارد: نام کورش نتیجه چند نسل فرهنگ‌پذیری عیلامی-ایرانی بود؛ روندی که در آن بنیان‌های هویتی و



سنت‌های فرهنگی در هم آمیخته شده و هویت جدید پارسی از دل آن سر برآورده بود. از سویی دیگر، گزینش لقب سلطنتی «اهل انشان» احتمالاً امری عامدانه بوده و نشانگر رقابتی واضح با خاندان سلطنتی حاکم بر دولت عیلام نواست که لقب کهن شاهان «انشان و شوش» را زنده نگهداشته بودند. بازی با گذشته و در عین حال محصول گذشته بودن آن چیزی است که کوروش را «کوروش» کرده است.

جلوس کوروش به معنای آغاز پادشاهی در ایران نیست: شاهی نیرومند به نام پوزور-اینشوشینک بیش از ۱۵۰۰ سال پیش از تولد شاهنشاهی هخامنشی بر قلمروهایی وسیع در ایران حکمفرمایی می‌کرد. در مقابل، کوروش شخصیتی محوری بود که همه سنت گذشته ایران حول وجود تاریخی و حکومت او گرد آمده و بیانی ادبی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، برآمدن و حکومت او ظرفیتی عالی برای تلفیق دارد و همین خاصیت تلفیق است که در خلال هزاره‌ها به تاریخ ایران روح بخشیده است. همواره معتقد بوده‌ام که این ویژگی منعطف حکومت کوروش از فرض اینکه او از هیچ برخاسته و صرفاً به پیروزی‌هایش می‌بالیده، پدیده‌ای بسیار جالب‌تر و غنی‌تر است.

در مقیاسی نسبتاً کلان‌تر، قویاً متقاعد شده‌ام که باید بر این نکته که فرهنگ و تاریخ ایران با رسیدن اقوام هندو-ایرانی آغاز نشده صحه بگذارم. باستان‌شناسان درون و بیرون ایران مدت‌هاست که این نظر را پذیرفته‌اند، اما محققان رشته‌های دیگر همچون محققان ادیان حوزه ایران باستان تا حدودی مردد هستند که ژرفنا و نکشر موجود در هزاره‌های پیشین تاریخ ایران را در افق پژوهشی خود وارد کنند. از این رهگذر، آنها بدون آنکه بخواهند به تقسیم‌بندی ساختگی در تاریخ استمرار می‌بخشند، این تقسیم‌بندی در عمیق‌ترین خاستگاه‌های خود چیزی نیست مگر باوری

نژادپرستانه بر مبنای ایده برتری «آریایی»، احساس من همواره این بوده که رشته تاریخ باستان چنین موضوعاتی را باید با دیدی باز ملاحظه نموده یا آنکه پذیرای خطر از دست دادن مناسباتش باشد. در واقع عمیق‌ترین باور من این است که ما از منظری معنوی و انسانی اعتلا نخواهیم یافت مگر با چنین توهم‌هایی در خصوص گذشته مقابله نموده و از چنگ آنها رها گردیم.

کتابی که پیش روی شماست نتیجه کوشش‌های بی‌وقفه یزدان صفایی است که اکنون در دانشگاه آزاد (Freie Universität) برلین تحت نظارت من مشغول سپری کردن دوره دکتری خود است. ما نخستین بار یکدیگر را در صبحی آفتابی در ژوئن ۲۰۱۶ در باغ مؤسسه باستان‌شناسی آلمان در تهران ملاقات نمودیم. او در آن زمان پیشنهاد کرد که منتخبی از مقالات من را که مربوط به فرهنگ‌پذیری عیلامی-ایرانی هستند به فارسی ترجمه کند. همانقدر که از این ایده اولیه خرسند گشتم از نتایج این کار نیز شادمانم و از مترجم برای وقت و دقتی که برای این اثر صرف نموده صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

باید خاطر نشان کنم که دیدگاه‌های من از زمان انتشار مقاله مورد اشاره که در سال ۲۰۰۳ میلادی منتشر شده اندکی تغییر کرده است و بخشی از نظراتم به کلی و یا حتی جزئی در هیچ کدام از مقالات این کتاب مطرح نشده‌اند. بنابراین در ادامه کتاب‌شناسی کامل آثارم را که با موضوع فرهنگ‌پذیری عیلامی-ایرانی و تاریخ پارسیان آغازین ارتباط دارند به خواننده پیشکش می‌نمایم.

ووتر هنکل من

برلین، اوت ۲۰۱۹

- 2003, An Elamite Memorial: the *šumar* of Cambyses and Hystaspes, in: W. Henkelman & A. Kuhrt (eds.), *A Persian Perspective: Essays in Memory of Heleen Sancisi-Weerdenburg* (Achaemenid History XIII), Leiden: 101-172.
- 2003, Defining 'Neo-Elamite History,' review-article M. Waters, A Survey of Neo-Elamite History (SAAS 12), Helsinki 2000, *Bibliotheca Orientalis* 60.3-4: 251-263.
- 2005, Animal sacrifice and 'external' exchange in the Persepolis Fortification Tablets, in: H.D. Baker & M. Jursa (eds.), *Approaching the Babylonian Economy: Proceedings of the start Project Symposium Held in Vienna, 1-3 July 2004* (Studies in the Economic History of First Millennium Babylonia 2 = AOAT 330), Münster: 137-65.
- 2005, De goden van Iran: (breuk)lijnen in een religieus landschap, ca. 4000-330 v.Chr., *Phoenix* 51: 130-172 [in Dutch].
- 2007, with K. Kleber, Babylonian Workers in the Persian Heartland: Palace Building at Matannan during the Reign of Cambyses, in: Chr. Tuplin (ed.), *Persian responses. Political and Cultural Interaction with(in) the Achaemenid Empire*, Swansea: 163-76.
- 2008, *The Other Gods Who Are. Studies in Elamite-Iranian Acculturation Based on the Persepolis Fortification Texts = Achaemenid History XIV*, Leiden
- 2011, Parnakka's Feast: *šip* in Pārsa and Elam, in: J. Álvarez-Mon & M.B. Garrison (eds.), *Elam and Persia*, Winona Lake: 89-166.
- 2011, s.v. Šimut, *Reallexikon der Assyriologie* 12: 511-12.
- 2012, The Achaemenid heartland: An archaeological-historical perspective. in: D.T. Potts (ed.), *A Companion to the Archaeology of the Ancient Near East*, vol. 2, Chichester: 931-62.
- 1391 [2012], Āyā Kūrūš Pārsī būd?, *Sarzamīn-e man*, Mehr 1391: 106-107 [in Persian].
- 2014 [with S. Khaksar], Elam's dormant sound: landscape, music, and the Divine in Ancient Iran, in: L.C. Eneix (ed.), *Archaeoacoustics: the Archaeology of Sound*, Myakka City: 211-31.
- 2017, Humban and Auramazdā: royal gods in a Persian landscape, in: W.F.M. Henkelman & C. Redard (eds.), *Persian Religion in the Achaemenid Period /La religion perse à l'époque achéménide* (Classica et Orientalia 16), Wiesbaden: 273-346.
- 2017, Imperial Signature and Imperial Paradigm Achaemenid administrative structure and system across and beyond the Iranian plateau, in: B. Jacobs, W.F.M. Henkelman & M.W. Stolper (eds.), *Die Verwaltung im*

- Achämenidenreich – Imperiale Muster und Strukturen/Administration in the Achaemenid Empire – Tracing the Imperial Signature* (Classica et Orientalia 17), Wiesbaden: 45-256.
- 2017, s.v. Zakzaku, *Reallexikon der Assyriologie* 15.3/4: 187-89.
- 2017, Tirutirs langer Nachhall: von Elam bis Persien, in: B. Helwing (ed.), *Iran, Frühe Kulturen zwischen Wasser und Wüste*, Bonn: 197-201.
- 2018, *Precarious gifts: Achaemenid estates and domains in times of war and peace*, in: F. Jullien (ed.), *Guerre et paix en monde iranien: Revisiter les lieux de rencontre* (Cahiers Studia Iranica 62), Paris 13-66.
- 2018, *Elamite administrative and religious heritage in the Persian heartland*, in: J. Álvarez-Mon, G.P. Basello & Y. Wicks (eds.), *The Elamite World*, London: 803-28.
- 2019, Le nouveau visage de la religion des Perses, *L'Histoire* 460: 56-59.
- [in press], The heartland pantheon, in: B. Jacobs & R. Rollinger (eds.), *A Companion to the Achaemenid Persian Empire*, Oxford.
- [in press], Practice of worship in the Achaemenid heartland, in: B. Jacobs & R. Rollinger (eds.), *A Companion to the Achaemenid Persian Empire*, Oxford.

## مقدمه مترجم

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از ترجمه سه مقاله از پژوهشگر هلندی، ووتر هنکلمن، که به فرآیند فرهنگ‌پذیری میان مهاجران ایرانی‌زبان در مناطق جنوب غربی ایران و جمعیت عیلامی ساکن در آنجا اختصاص یافته‌اند. نویسنده تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته زبان‌شناسی کلاسیک با تخصص یونانی باستان در دانشگاه لایدن آغاز کرد و سپس در رشته تاریخ باستان با تخصص فرهنگ و زبان‌های هخامنشی در دانشگاه اوترخت ادامه داد. او در سال ۲۰۰۶ میلادی موفق به اخذ درجه دکتری گردید و رساله خود را که مشابه مقالات ترجمه‌شده در اینجا با تمرکز بر متون باروی تخت جمشید درباره فرهنگ‌پذیری عیلامی-ایرانی بود در مجموعه تاریخ هخامنشی در سال ۲۰۰۸ به صورت کتابی مفصل به چاپ رساند که ترجمه‌ای از آن به فارسی نیز به طبع رسیده است. بیش از یک دهه است که آثار ووتر هنکلمن به روند افزایش دانش ما از فرهنگ و تاریخ هخامنشی سرعت بخشیده است. به فارسی تاکنون از او یک مقاله در جلد ۱۳ تاریخ هخامنشی، مقاله کوتاهی با عنوان «آیا کوروش پارسی بود؟» در مجله سرزمین من و کتابی که ذکرش رفت ترجمه شده است.

امید است با چاپ اثر حاضر بحث‌های گسترده‌ای که او مطرح می‌کند بیش از پیش مورد توجه خوانندگان فارسی‌زبان قرار گیرد.

مقاله نخست در اصل فرانسوی و مقاله دوم و سوم در اصل انگلیسی هستند. راقم این سطور با توجه به علاقه و زمینه پژوهشی خود، متوجه شد آنچه هنکلمن به‌ویژه در مقاله دوم و سوم نوشته است، در ایران به درستی خواننده یا فهمیده نشده است. این موضوع و همین‌طور اهمیت مضاعف این مقالات برای فهم دقیق‌تر تاریخ و فرهنگ دوره هخامنشی انگیزه مترجم برای برگرداندن مقاله‌های دشوار هنکلمن به فارسی بوده‌اند. مترجم در ابتدا تلاش‌های خود را بر ترجمه مقاله دوم و سوم که اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند، متمرکز کرده بود. مقاله نخست در نخستین ملاقات حضوری نویسنده و مترجم در خرداد ۱۳۹۵ از سوی نویسنده برای ترجمه و چاپ در این کتاب پیشنهاد شد و مترجم نیز با کمال میل این پیشنهاد را پذیرفت.

نویسنده در دومین دیدارمان در مؤسسه باستان‌شناسی آلمان در تهران، تحریری انگلیسی از مقاله نخست<sup>۱</sup> که در اصل به فرانسه نوشته شده در اختیار مترجم قرار داد. در واقع مترجم با در اختیار داشتن نسخه فرانسوی این مقاله و مقابله آن، از تحریر انگلیسی که نویسنده در اختیارش گذاشته استفاده کرده است.

مقاله دوم<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۳ میلادی در مجموعه مقالاتی به چاپ رسیده

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Henkelman, Wouter F.M. 2014. "Teispès et les Perses", *Annuaire de l'École Pratique des Hautes Études, Section des sciences historiques et philologiques* 145: 19-21.

۲. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Henkelman, Wouter F.M. 2003. "Persians, Medes and Elamites: Acculturation in the Neo-Elamite Period", in Giovanni B Lanfranchi, Michael Roaf & Robert Rollinger (eds.), *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*, Padova, Italy: S.a.r.g.o.n. editrice e libreria, pp. 181-232.

که تمرکزش بر مسأله تداوم در امپراتوری بوده است، هر چند که در کنفرانس مربوط به این مجموعه مقالات قرائت نشده بود اما با توجه به اهمیتی که داشته در آن مجموعه به چاپ رسیده است. مقاله سوم<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۱ میلادی در مجموعه مقالاتی دیگر به چاپ رسیده که از نظر اهمیت هم‌رتبه مجموعه پیشین است. در اینجا هنکلمن عنوانی فریبنده اما پر معنا برای مقاله خود برگزیده تا از طریق آن تصویرهای مفروض و کلیشه‌ای موجود از کورش و داریوش را به نقد بکشد و رهیافت جدیدی ارائه کند. این مقاله می‌تواند به نوعی ادامه مقاله پیشین باشد.

مترجم گاه بنا به ضرورت مطالبی به‌عنوان توضیحات تکمیلی افزوده است که آنها را درون [] و با افزودن یک «م» به‌عنوان علامت اختصاری واژه «مترجم» مشخص کرده است. اولویت مترجم برای انتخاب برابر نهادهای فارسی برای اصطلاح‌های تخصصی، واژه‌های مصوب فرهنگستان بوده است. برای مثال، در برابر واژه *postposition*، فرهنگستان واژه «پس‌اضافه» را ساخته، در حالی که در متون فارسی به‌جای آن «حرف اضافه پس‌اند» هم استفاده کرده‌اند.<sup>۴</sup> اولویت چنان‌که گفته شد با واژه‌های مصوب فرهنگستان بوده است، اما در مواردی نسبتاً فراوان به‌ویژه در میان اصطلاح‌های زبان‌شناختی، مترجم با این مشکل روبه‌رو بود که بسیاری از واژگان هنوز معادل مصوبی ندارند و بنابراین منابع دیگری که

۳. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Henkelman, Wouter F.M. 2011. "Cyrus the Persian and Darius the Elamite: a Case of Mistaken Identity", in Robert Rollinger, Brigitte Truschnegg and Reinhold Bichler (eds.), *Herodot und das Persische Weltreich. Herodotus and the Persian Empire (Classica et Orientalia 3)*. Wiesbaden: Harrassowitz Verlag. pp. 577-634.

۴. برای مثال نک. علی‌یاری بابلقانی، سلمان، تحریر ایلامی کتیبه داریوش بزرگ در بیستون، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۴، ص ۵۷.

توسط متخصصان تألیف شده‌اند،<sup>۵</sup> محل رجوع مترجم برای انتخاب برابر نهادهای مناسب بوده‌اند.

در پایان بر خود می‌دانم که از آقای دکتر ووتر هنکلنن بابت وقتی که در ملاقات دومان در مهرماه ۱۳۹۵ گذاشت و پاسخ پرسش‌های ناتمام من را با حوصله داد تشکر کنم. همچنین بایسته است از سرکار خانم دکتر لیلا مکوندی، آقایان سجاد امیری، میلاد عابدی، سینا عباسلو و خانم‌ها شادی ابراهیمی و هدیه رشیدی برای نظرات سودمندشان قدردانی شود. البته بدهی است که در تمام مواردی که با دیگران مشورت شده است، تصمیم‌نهایی را مترجم خود گرفته و در نتیجه مسئولیت اشتباه‌های احتمالی برعهده خود اوست. در پایان بر خود می‌دانم که از نویسنده گرامی که او را استاد و دوست خود می‌دانم برای مقدمه‌پر معنایی که بر این کتاب نوشته و در آن به من لطف فراوان داشته تشکر کنم. امیدوارم که با این مقدمه مهم او و ترجمه مقالات پیش روی شما فرصت بهتری برای توجه به جنبه‌های مهمی از تاریخ ایران مهیا شود.

یزدان صفایی

مرداد ۱۳۹۸

---

۵. مدرسی قوامی، گلناز، فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج‌شناسی، تهران: علمی، ۱۳۹۴؛ راسخ‌مند، محمد، فرهنگ توصیفی نحو، تهران: علمی، ۱۳۹۳؛ شقاقی، ویدا، فرهنگ توصیفی صرف، تهران: علمی، ۱۳۹۴؛ عبدالکرمی، سپیده، فرهنگ توصیفی، زبان‌شناسی اجتماعی، تهران: علمی، ۱۳۹۲؛ چنگیزی، احسان، فرهنگ توصیفی دستور تاریخی، تهران: علمی، ۱۳۹۵؛ نغزگوی کهن، مهرداد (با همکاری شادی داوری)، فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی تاریخی، تهران: علمی، ۱۳۹۳.